

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

## تبعیضی در کار نیست!!!

مسعود درودیان

[کارشناسی حقوق ، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)]

این مقاله نگاهی است مختصر به اتهامی که سال ها علیه دین اسلام و قوانین اسلامی با شعار بی عدالتی و تبعیض جنسیتی مطرح می شود، و تنها هدف از ترویج و اشاعه این تهمت ها توسط فمنیستها و جنبش های افراطی دفاع زنان، ایجاد حس اعتراض آمیزی علیه مردان و علیه دین اسلام می باشد البته این شبهه افکنی ها در موضوعات مختلفی در مورد زنان طرح شده است که با استدلال و منطق و حکمت قوانین الهی توسط فقها شیعی تمام این توطئه ها از بین رفته؛ شبیه ای که می خواهیم بررسی کنیم؛ نحوه ی شهادت زنان در دادگاه ها و محاکم قضایی ایران است . آیا ارزش زن و نقش اجتماعی او لگد مال شده وزن نمی تواند استعدادهای خود را به ملکه ظهور برساند، چرا در مقام شهادت دوزن با یک مرد برابر است؟

آیا این تبعیض است؟ آیا هر برابری عدالت است؟

نظرات مختلفی در این باره توسط فقها و حقوق دانان و روانشناسان مطرح شده است؛ گروهی می پندارند که این حکم شارع مقدس است و ما نباید بدنبال حکمت و دلیل باشیم

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

ما تنها باید تعبد و اطاعت کنیم و مانند اشاعره می گفتند که خدا بالاتر از این است که دستورش تابع یک مصلحتی باشد؛ پس اگر گفت: کاری بکن یا نکن؛ لازم نیست دلیل داشته باشد؛ اما ائمه (علیهم السلام) همان زمان می فرمودند، این فکر غلط است خدا هیچ کاری را بدون مصلحت و حکمت نمی کند و عدل الهی هم ایجاب می کند که خدا هم در خلقت و هم در شریعت عادل باشد ولی برخی صاحب نظران به بیان مصالح و حکمت های این تفاوت پرداخته اند در این میان جمعی بی ملاحظه؛ پایین تر بودن عقل و درک و شعور زن نسبت به مرد فلسفه وضع چنین حکمی دانسته اند و اساساً نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد را دلیل ناقص العقل بودن زنان می دانند و احادیثی را برای نظریه خود مستند می کنند؛ بهر حال این نوع طرز تفکر وجود داشته و شاید هنوز هم وجود داشته باشد؛ امروزه، تفکر غالب جهانی، نقصان ذاتی زن و پائین تر بودن طبیعی شعور و درک او را که تبعاتی چون محرومیت از قضاوت و شهادت داشته باشد؛ نمی پذیرد و کسانی که خلاف این نظر را دارند باید با دلایل علمی و مستندات محکم عینی و تجربی آن را ثابت نمایند؛ وگرنه استدلال به ناقص العقل بودن آنها به نصف بودن ارزش شهادتشان نسبت به مردان مصادره به مطلوب است.

در این مبحث نظرات مختلفی بیان شده ولی خداوند حکمتی در این موضوع قرار داده است که در ادامه ی مطالب به آن اشاره می شود؛ تا مشخص گردد شاید این اختلاف به

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

فطرت و ذاتیات دو جنس مرد و زن بر می گردد و ظلمی در کار نبوده بلکه با توجه به آفرینش زن و مرد این امر عین عدالت است.

(اهمیت قرآن کریم در وضع قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران)

یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که جزء مهمترین نکات قانون می باشد اصل اسلامی بدان است در جمهوری اسلامی ایران نباید قانون یا مقررات خلاف شرع وضع و اجرا شود. اصل اسلامی بودن شامل مصوبات مجلس شورای اسلامی که قوه مقننه محسوب می شود طبق اصل ۷۲ لازم الاجراست. شورای نگهبان هم به این صیانت می پردازد (اصل ۴ قانون اساسی)؛ ملت مسلمان ایران نیز پذیرفته است که قرآن کتاب هدایت و کتاب جاودانه ای است که بشر در مسائل مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود جهت دستیابی به سعادت دنیوی و اُخری به آن نیاز دارد.

پیامبر اکرم و ائمه اطهار به اهمیت قرآن بارها اشاره کرده اند پیامبر در حدیث ثقلین فرمودند «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابداً»

مادامی که به قرآن و اهل بیت متمسک شوید گمراه نمی شوید نقل است از امام صادق (ع) که اگر حدیث در روایتی از ما به شما رسید و دیدید آن با نص قرآن مطابقت ندارد «فضربه علی الجدار» به آن بی توجه باشد و آن را به دیوار بزنید؛ قوانین جمهوری

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

اسلامی با رعایت این موضوع تصویب می شود همچنین اصل ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی با استناد به آیات قرآن که حول محور شهادت بحث کرده تصویب شده است.

## آیا در قرآن تبعیض جنسیتی وجود دارد؟

در قرآن کریم هر جا سخن از انسان و ارزش انسانی است هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.

«انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان یرحمکم الله اتقواکم». ما شما را از مرد و زنی آفریدیم... همانا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوی ترین شماست  
آیه ۱۳ سوره «حجرات»

«و من یعمل من الصالحات ...» هر زن و مرد مومن کار کاری شایسته کند به بهشت وارد می گردد و ذره ای به او گم نمی شود «نساء آیه ۱۲۴» و همچنین آیات فراوانی مثل «الاحزاب آیه ۳۵»، «آل عمران آیه ۱۹۵»، «نحل آیه ۹۷»، «غافر ۴۰» این آیات همگی نشانگر برابری و مساوات بین زن و مرد می باشد اما این مطلب به آن معناست که زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند بلکه هر کدام دارای نیازها و احساسات و وظایف متفاوت نیز هستند تا بتوانند به کمالی که برای هر یک در اصل خلقت در نظر گرفته شده برسند.

قرآن کریم از آن جهت که معجزه الهی است و باید قوانین و مقررات راجع به تمام شئون اجتماعی اسلامی بیان کند.

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

آیاتی هم در مورد شهادت زنان و ارث زنان و از این قبیل موضوعات دارد که ما به آیه ۲۸۲ سوره بقره در مورد شهادت دو زن و یک مرد اشاره می‌کنم.

«... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَهُمَا فَتُزَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»

«دو شاهد از مردان به شهادت گیرید پس اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از شاهدانی که رضایت می‌دهید تا اگر یکی از زنان فراموش نمود دیگری به او یادآوری نماید...»

محور بحث ما؛ که در پی شبهات وارد شده و اتهامات گروه‌های افراطی دفاع زنان می‌باشد این آیه است.

## برابری به معنای عدالت نیست!!!

پس با اعتقاد به این که آیات و قوانین الهی، در بر دارنده مصالح و حکمت‌هایی هستند که عمل به آنها سعادت انسان را تأمین می‌نماید؛ در تشریح بحث شهادت می‌توان مدعی وجود مصالحی گردید که علی‌رغم تفاوت میان زن و مرد، در مجموع خیر و صلاح و سعادت جامعه انسانی را تضمین می‌کند.

با ذکر این مقدمه؛ پاسخ این سؤالات فوق با توجه به نکات زیر قابل درک است و امیدوارم که این موضوع احساسی و متعصبانه بررسی نشود.

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

## تفاوت شهادت مرد و زن

شهادت مرد و یا قبول کردن شهادت دو زن به جای یک مرد هیچ ارتباطی به ارزش گذاری میان افراد جامعه ندارد به همین جهت در موارد لازم است دو فرد عادل شهادت دهند، که در قانون مدنی کشور در ماده ۱۳۱۵ شرایط شاهد را بیان کرده است.

ممکن است یکی از ایشان دكترای حقوق جزا می باشد و دیگری، یک عضو عادی جامعه باشد، آیا در کنار هم قرار گرفتن شهادت این دو فرد؛ نشان از ارزش یکسان ایشان می نماید؟ حال آنکه اگر ملاک شهادت بر اساس ارزش انسان باشد، دكترای حقوق جزا خود معادل چندین و چند، انسان دیگر شهادت نهایت می کند.

از آنجا که شهادت زن ارتباطی با ارزش گذاری برای او ندارد لذا چنین نیست که اساساً شهادت زن در دادگاه پذیرفته نشود و یا اینکه همواره شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد محسوب گردد بلکه در امور مختلف؛ به لحاظ تناسب آن مورد با طبیعت و فطرت شاهد، تعداد شهود معین می گردد؛ البته باید خاطرنشان کرد که شهادت هر مردی قابل پذیرش نیست بلکه لزوماً آن مرد باید شرایط شهادت را داشته باشد از جمله عدالت که از الزامات شهادت می باشد.

## شهادت حق است یا تکلیف!!؟

شهادت اصولاً حق نیست، بلکه تکلیفی است بر عهده شاهد و کسی که تحمل شهادت می کند، نمی تواند آن را کتمان نماید. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «هرکس شهادت را

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

کتمان کند گناهکار است» (بقره آیه ۲۸۳) بنابراین شهادت به عنوان حقی از حقوق نیست تا گفته شود، چرا در برخی موارد این حق از زن ها گرفته شده و یا تبعیض ایجاد شده است، بلکه به عنوان تکلیف، مقرر گشته است پس معلوم می شود در موارد که شهادت زن پذیرفته نیست، او معاف از تکلیف بوده و در نتیجه وظیفه اش نسبت به مرد، سبک تر است پس این موضوع محرز شد که شارع مقدس تکلیف سنگین شهادت را از دوش زنان برداشته است و با توجه به این که کتمان شهادت چه مجازات قانونی در پی دارد، شاید این موضوع یکی از حکمت های این حکم الهی باشد به طور مثال اگر شهادت زن در موارد حادی نظیر قتل پذیرفته بود، نباید از آمدن به دادگاه و دادن شهادت امتناع کند.

در حالی که شرع و قانون با پذیرفتن شهادت زن در این موارد، این تکلیف را از زن ساقط نموده است. چرا که شخصی که علیه او شهادت داده می شود ممکن است بر اساس آن شهادت، به اعدام یا تحمل ضربات شلاق محکوم شود و لذا امکان اعمال تهدیداتی از سوی محکوم و یا اطرافیانش نسبت به شاهد وجود دارد از قبیل تهدید به ربودن فرزند، تحت فشار قرار دادن خانواده شاهد، اسیدپاشی و ... که در روند شهادت دادن شاهد محکمه اثر می گذارد پی می توان گفت؛ شاید اراده الهی به این امر تعلق یافته است که زن از این مخاطرات و تهدیدات در امان باشد در مواردی که جرم خیلی سنگین نبوده و در نتیجه مجازات و یا پیامد های حقوقی آن چندان سنگین نیست، شهادت زن به

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

انضمام سایر زنان و یا سایر مردان، پذیرفتنی است. به نظر می رسد علت آن، توزیع خطر میان شاهدین و پایین آوردن احتمال تهدید زن باشد.

## مردان حق شهادت ندارند!!؟

برخی دعاوی، پراهمیت و حساسی وجود دارند که صرفاً بر اساس شهادت زن قابل اثبات می باشد و شهادت چندین مرد نمی تواند در این موارد با شهادت ولو یک زن برابری نماید. این موارد عبارتند از : اثبات ولادت و اثبات بکارت، اثبات عیب های زنانگی و ... همانطور که مستحضر هستید شهادت در اثبات ولادت، تأثیر قابل ملاحظه ای در بحث ارث و تعیین وراثت میت داشته و چه بسا یک وراثت می تواند، سایر طبقات وراثت را از ارث محروم نماید، بنابراین شهادت زنان بر ولادت یک فرزند، گاه میلیاردها تومان یا صدها میلیون تومان به فردی ارث می رسد که اگر این زن شهادت نمی داد به شخص دیگری می رسید.

اثبات بکارت نیز در مواردی که اتهاماتی را نظیر زنا وارد است، مؤثر است و می تواند حکم قاضی را تغییر دهد و باعث نجات جان یک فرد شود و اثبات نماید که مثلاً زنای محضه ای صورت نگرفته در مواردی که مطابق قانون، شهادت زن پذیرفته نمی شود از جمله (لواط، مساحقه، قوادی، قتل عمد و ...) زن می تواند به عنوان شاهد حادثه در دادگاه حاضر شده و آنچه را که شاهد بوده است، بر اساس قاضی بیان نماید و در صورتی که بیانات وی قاضی را در احراز علم نسبت به موقوف حادثه یاری رساند، در صدد حکم



# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

قاضی مؤثر می‌گردد؛ قاضی به علم خود حکم صادر می‌نماید، چرا که علم قاضی برایش حجت است و تفاوتی نمی‌کند که این شهادت به انضمام گواهی مردان واقع شده یا زنان، و توسط یک زن واقع شده یا چند زن، یا مرد فقط باید به گونه‌ای باشد که برای قاضی علم و یقین حاصل گردد.

شهادت زن در مواردی که پذیرفته نمی‌باشد به نظر می‌رسد که حکمت این امر، دور نگاه داشتن زنان از مخاطرات اجتماعی است و بنا به احساس و لطافت‌های زنانگی روبرو شدن با این مخاطرات به نفع اوست.

## «دلایل فطری و ذهنی شهادت»

قوانین اسلامی همواره درصدد تقویت و رشد خصایص طبیعی و فطری بشر بوده است در این موضوع است را زن و مرد در برخی ویژگی‌ها با یکدیگر متفاوت هستند، چرا که وظایف متفاوتی را عهده دار می‌باشند.

زن به لحاظ فطری کانون مهر و محبت و عاطفه محسوب می‌گردد و قوانین شرعی همواره به گونه‌ای تدوین یافته است که مهرورزی زن پایدار گردیده و این امکان را بیابد تا روابط عاطفی خانواده را تقویت نماید لذا بر اساس قوانین شرع که در قوانین داخل کشور منعکس گردیده است، سعی شده از ورود زنان به عرصه‌های خشونت آمیز جلوگیری شود و یا پذیرفتن شهادت زنان در این موارد، مانع ورود ایشان به این صحنه‌ها شده تا روحیات پرمحبت و عاطفی ایشان دچار تلاطمات بحرانی نشود.

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

مطالعات روانشناسی بر این واقعیت تأکید وارد که زنان در شرایط حاد احساسی و عاطفی، به دلیل شدت احساسات و عواطف، جزئیات قضایا را کمتر به خاطر می سپارد و توجهشان بیشتر به کلیات امور معطوف می گردد در حالیکه در موارد نظر شهادت به قتل، آنچه که مهم است، به خاطر آوردن جزئیات واقعه نظیر ساعت وقوع، ابزار قتل، نحوه قتل و خیلی از نکات ریز دیگر که موجب اختلاف نظر شاهدین متهم می گردد و دگر با سایر شواهد منطبق نباشد، منجر به بطلان شهادت و مجازات مدعی شهادت می گردد و این تکلیفی فوق توان و طاقت زن است که از باب لطف از عهده او برداشته شده دلیل دیگر شاید راجع به ضبط و قوه حافظه زن است که از مرد کمتر است و از همین روی شهادت او با شهادت مرد برابری نمی کند؟

می توان گفت اساساً به طور کلی حفظ و ضبط زن از مرد کمتر است، یا نه، باید گفت، زن فقط در مسائل این چنینی ما شاهد این موضوع هستیم که حفظ ضبطش کمتر است؛ یعنی انسان به هر موضوعی که زیاد توجه دارد، موضوعاتی که مورد علاقه اش هست، در آن موضوعات حفظ و ضبطش خوب است، ولی در موضوعاتی که مورد علاقه اش نیست، کمتر به یادش می ماند، چون مورد علاقه اش نیست، مسئله شهادت زن مسئله ای است که از حدود کارهای زن خارج است کارهای بیرونی است؛ طبیعتاً زنی که اساس احساس وظیفه ی مهم خویش، تلاش عمده خود را در چارچوب خانواده و تربیت فرزندان قرار داده است، توجهش به مسائل بیرونی که مثلاً برادرش یا شوهرش یا همسایه ها با

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

یکدیگر یک معامله ای و در آن معامله، قرار دادشان این طور بود یا آن طور بود، از موضوعاتی است که طبعاً مورد توجه او نیست و چون طبعاً مورد توجهش نیست، حافظه اش در این مورد ضعیف است، آیه قرآن هم که این گونه فرموده است تکیه اش روی حافظه است؛ نه تکیه اش روی عقل است نه روی تکیه اش روی ایمان و عدالت. فرمود «دو تا زن باشد، نه یکی که اگر دیگری یادش نبود، آن دیگری به یادش بیاورد» با عدم پذیرش شهادت زنان در این امور، بار مسئولیت زنان سبک تر می شود در برخی از موارد هم پذیرفتن شهادت زنان به انضمام زن دیگر (معادل بودن شهادت دو زن با شهادت یک مرد) حضور یک شاهد زن دیگر کمک خواهد کرد تا زنی که داوطلب شهادت شده با همراهی دیگری، جزئیات را به یکدیگر یادآوری کرده و شهادت دقیق واقع شود.

## سخن پایانی

این مطالب، دلایل هر چند مختصری برای دفاع از قوانین اسلامی و شبهات وارد شده به اسلام بود متأسفانه در ماه اخیر ما شاهد بودیم که مقاله جنجالی راجع به تبعیض علیه زنان در یکی از روزنامه ها که البته شبیه ی تازه ای به شمار نمی آمد چاپ شد؛ متأسفانه این اتهامات علیه دین اسلام در فضاهای مجازی هم پراکنده شده است و هدفی جز برانگیختن حس اعتراض آمیز زنان و الغاء تبعیض جنسیتی ندارد ما معتقدیم که برابری کامل حقوقی بین زن و مرد غلط است؛ یعنی این یک نگرش فمینیستی هست که باید زن و مرد در همه مسائل حقوقی برابر باشد، ما معتقد به این هستیم در حقوقی که

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

به هویت انسانی مربوط می شود، چون زن و مرد در هویت انسانی برابر هستند، باید حقوق برابر داشته باشند، اما چون زن و مرد در حوزه انسانی با هم برابرند، تفاوت جنسیتی را نمی توان انکار کرد، بالاخره دو جنس متفاوت هستند و لذا حقوقی که مبتنی بر جنسیت باشد علی القاعده باید متفاوت باشد، اینکه این نگاه را داشته باشیم که در آنجایی که زنان با مردان تفاوت دارند، باید حقوق یکسان و برابری داشته باشند، این نگرش کاملاً غلط است و از نظر اسلام مردود

در پایان با ذکر سخنی از مقام معظم رهبری در توجه ویژه به مسائل زنان و مشکلات قوانین آنان و تأکید ویژه ایشان به لزوم اصلاح قوانین این بحث را پایان می دهیم « زن در جامعه ایرانی ما، نه از لحاظ حقوق اجتماعی، نه از لحاظ تمکن و قدرت تصرف فردی، نه از لحاظ قوانینی که به این ها ارتباط پیدا می کند، هنوز در آن حد و سطحی که اسلام خواسته است قرار ندارد.. متأسفانه در طول تاریخ، همواره یک ستم تاریخی بر زن رفته است. که بیشتر هم ناشی از این است که قدر زن و جای او را ندانسته اند....در جامعه ی ما بایستی به آن شکلی باشد که اسلام خواسته است، زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند و نبایستی به خاطر زن بودن هیچ ستم و ظلمی به او شود»

بیانات مقام معظم رهبری